

درس‌های
فروید
برای زندگی

برت کار
صالح نجفی

۱۱	مقدمه
۲۱	۱. چگونه بزرگ‌ترین موفقیت خویش را بر باد دهیم
۲۹	۲. چگونه از گاه کوه می‌سازیم
۳۹	۳. چگونه رازی نهان و عمیق را لومی دهیم
۴۹	۴. چگونه عاشق می‌شویم
۵۹	۵. چگونه کل خانواده خود را از بین ببریم... اما از راه درست
۷۱	۶. چگونه جوکی واقعاً بامزه را ضایع می‌کنیم
۸۱	۷. چگونه گذشته را فراموش کنیم
۹۱	۸. چگونه پاک ناچیز می‌شویم
۱۰۱	نتیجه: میراث بشردوستی فروید
۱۰۷	مشق شب
۱۱۵	فهرست نام‌ها

مقدمه

تنها چند روز پس از ورود به دانشگاه، در یکی از مهمانی‌هایی که برای دانشجویان سال اول برگزار می‌شد، خود را در اتاق استراحت استادان دانشکده یافتم، خرم‌و‌خندان قدح باده به دست. پس از گپ‌و‌گفت با یک متخصص قرون وسطی و سپس یکی از استادان یونان باستان، درگیر گفتم و گو با یک زیست‌شیمی‌دان برجسته شدم. نعره زد که «فروید! توبه فروید علاقه داری؟» من من‌کنان گفتم «بله» و بدین سان به یک باره از ساده‌لوحی و نادانی یک دانشجوی ناشی و تازه‌کار روان‌شناسی پرده برداشتم. از سر تحقیر پوزخندی زد که «اوهوم» و بعد در حالی که سومین یا چهارمین جام شرابش را سر می‌کشید با ضرس قاطع گفت: «پنجاه درصد تمام نوشته‌های فروید نادرست است... و پنجاه درصد باقی مانده توضیح و اصحات..» با ترس و لرز کوشیدم استدلال کنم که شاید کار فروید حسن‌هایی هم داشته باشد، ولی راه به جایی نبردم. مرغ این آقای متشخص یک پا داشت. از نظر او فروید شایسته عنوان دانشمند نبود. دست از پادرازتر مهمانی را ترک گفتم، بیمناک که مبادا شیفتگی جوانی من به فروید اساساً نابه‌جا بوده.